گیشه پول

بازخوانی پرونده شبکه بانکی (۱)

نرخ سود؛ گره‌ای که گره ماند

■ **راشل آرامیان:** شبکه بانکی اینقدرها گره دارد که به جرات می‌توان یک ستون را به بازخوانی پرونده‌های آن اختصاص داد. برای همین شما از امروز می‌توانید تمامی فرازوفرودهای شبکه بانکی در چند سال اخیر را در این ستون مرور کنید. در قسمت اول، کیک سود را برای شما برش زده‌ایم؛ چون بدون تعارف چند سال است که به یکی از مهم‌ترین چالش‌های شبکه بانکی تبدیل شده است. حتما به یاد می‌آورید که محمود احمدی‌نژاد از زمانی که آمد، یکی از دغدغه‌هایش را اصلاح نظام بانکی عنوان کرد. او در کمتر از پنج ماه از دوران ریاست‌جمهوری‌اش، نرخ سود شبکه بانکی را کاهش داد تا از این طریق به اولین آرزویش دست یابد. از این رو، شورای پول و اعتبار به درخواست ایشان وارد شور شد و نرخ سود را کاهش داد. این سیاست برای اولین بار در دولت نهم در دستور کار قرار گرفت؛ سیاستی که از سال ۸۵ منجر به ورود واژه‌ای به نام نرخ سود دستوری در ادبیات بانکداری ایران شد. بانک‌ها نیز که چاره‌ای نداشتند، نرخ سود تسهیلات مبادله‌ای خود را کاهش دادند. اولین مصوبه شورای پول و اعتبار که توسط بانک مرکزی به بانک‌ها ابلاغ شد، نرخ سود بانک‌های دولتی را ۱۴درصد و نرخ سود بانک‌های خصوصی را ۱۷درصد اعلام کرد.

اگر در سال ۸۵ مشتری یکی از بانک‌ها بودید، حتما مشاهده کردید که نرخ سود نسبت به سال قبل، کاهش یافته بود البته در وام‌های خرد و کمتر از ۱۰میلیون تومان. اینکه چرا بانک‌ها سریعا نرخ سود تعیین شده را اجرا کردند، پرسشی است که کارشناسان آن را در گرو تورم پایین آن سال می‌دانند. آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد تورم پایان سال ۸۴ یعنی درست آن زمان که شورای پول و اعتبار رای به کاهش نرخ سود داد، ۱۰/۴درصد بود. در حقیقت پایین بودن تورم راه را برای اجرای این سیاست دستوری هموار کرد. یعنی بانک‌ها با پرداخت تسهیلات با این نرخ‌ها هم می‌توانستند سودآور باشند و هم هزینه‌های خود را پوشش دهند.

البته رییس‌جمهور آرزوی دیگری هم داشت که اگرچه در حوزه بانک و بانکداری نمی‌گنجید اما تحقق آن شدیدا در گرو عملکرد نظام بانکی بود. شاید به همین دلیل نیز ابتدای آمدنش نرخ سود تسهیلات را کاهش داد تا به زعم خود، بتواند از تولید حمایت کند و حتی بیکاران را نیز به بازار کار مولد سوق دهد. بنابراین در اولین اقدام کاهش نرخ سود بانکی در دولت نهم کلید زده شد تا به تبع آن تولید جانی دوباره گیرد. در آن زمان بسیاری از کارشناسان این سیاست را غیرکارشناسانه نامیدند و خواستار توقف آن شدند. اما شنیده نشد. این اعتراضات هنوز هم ادامه دارد. در آن زمان دولتی‌ها دغدغه خود را بخش‌خصوصی می‌دانستند اما امروز حتی بخش خصوصی هم می‌گوید این سیاست دردی از آنها را دوا نکرده است. این مساله را پدرام سلطانی نیز تایید می‌کند. او نایب‌رییس چهارم اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران است. از او پرسیدم به عنوان یک فعال بخش‌خصوصی آیا کاهش نرخ سود بانکی توانست هزینه‌های تولید را کاهش دهد و او گفت: «شواهد نشان می‌دهد که کاهش نرخ سود عملا منجر به کاهش هزینه‌های تولید در بخش‌خصوصی نشد؛ حتی این سیاست موجب تسهیل در دریافت تسهیلات هم نشد به طوری که با گذشت شش سال از اجرای سیاست کاهش نرخ سود، صدای اعتراضات واحدهای تولیدی بیش از پیش درخصوص نرخ سود و نابسامانی تسهیلات شنیده می‌شود.»

چرا؟

در این سال‌ها بانک‌ها سعی کردند عمده تسهیلات خود را که اغلب کلان هم بودند در قالب عقود مشارکتی پرداخت کنند؛ یعنی تسهیلات در قابل عقودی در اختیار تولیدکنندگان قرار گرفت که در توافقی میان مشتری و بانک تعیین می‌شد و اغلب نرخ سود آنها بیش از ۲۵درصد بود.

البته بسیاری از کارشناسان به بانک‌ها حق می‌دهند تا از پرداخت تسهیلات با نرخ سودی که به هیچ‌وجه با نرخ تورم متناسب نیست، فرار کنند. سلطانی نیز تا حدودی به بانک‌ها حق می‌دهد که چنین رفتار کنند زیرا می‌گوید: «منطقی‌تر است که با نرخ سود ۱۱ و ۱۴درصدی تسهیلات در سال‌جاری نرخ سود سپرده‌ها زیر ۱۰درصد باشد تا عملیات بانکی سودآور شود اما واقعیت این است که با این نرخ سود، سپرده‌گذاران تمایلی برای سپرده‌گذاری نخواهند داشت پس چاره‌ای نمی‌ماند جز اینکه نرخ سود بانکی براساس تورم تعیین شود.» با این حال کاهش نرخ سود تسهیلات بی‌آنکه نتیجه‌ای در برداشته باشد با قدرت هرچه تمام‌تر در دولت دنبال شد و تورم، هم بی‌آنکه دخالتی در این سناریو داشته باشد، به گوشه‌ای رانده شد. کم‌کم آثار این تصمیم رو آمد. بانک‌ها عقود مشارکتی را جایگزین عقود مبادله‌ای کردند زیرا تورم به دلیل سیاست‌های انبساطی دولت، لجام‌گسیخته بالا می‌رفت و بانک مرکزی هم نمی‌توانست این معضل را چاره‌ای کند.

واکاوی دورافتادگی از توسعه (۲)؛ گفت‌وگو با محمد خوش‌چهره

تحمیل عقیده برای توسعه مشکل ایجاد کرد

رضا غیبی

بحث تلخ

توسعه همیشه در ایران دست‌نیافتنی بوده است و همیشه نیز برنامه‌های اقتصادی برای رسیدن به توسعه، سرانجام خاصی را تجربه نمی‌کردند. بدون تعارف ما دور افتاده‌ایم از توسعه و این را بسیاری از کارشناسان تایید می‌کنند اما اینکه چرا این اتفاق رخ داده است، پرسشی تاریخی برای اقتصاد ایران محسوب می‌شود که همواره نیز کارشناسان پاسخ‌های متفاوتی برای آن ارایه داده‌اند؛ پاسخ‌هایی که نفت‌محوری یا محتوای اقتصاد وابسته به تمرکزگرایی در آنها مشترک است. این بار ما چرایی دورافتادگی را با محمد خوش‌چهره در میان گذاشتیم. او گفت: ما به لحاظ تاریخی دومین کشور آسیا در حوزه برنامه‌ریزی هستیم اما هنوز نتوانستیم به آن چیزی که می‌خواستیم برسیم. خوش‌چهره تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای را در وقوع این ماجرا دخیل می‌داند. متن این گفت‌وگو در ادامه آمده است.

■■■

چرا به رغم تمامی تاکیدهای صورت گرفته، شاهد دورافتادگی اقتصاد ایران از توسعه هستیم و علت این اتفاق را در کجا باید جست‌وجو کرد؟

وضعیت آسیب‌شناسی اقتصاد ایران یک ضرورت استراتژیک است که این آسیب‌شناسی با روش‌های مختلفی به نتیجه می‌رسد. در آسیب‌شناسی اجتماعی دو دسته عوامل تاثیرگذار هستند که باعث بروز اختلالات و کاهش‌ها و همچنین عدم تحقق‌ها در اقتصاد می‌شوند یا در ادبیات لطیف‌تر موجب ایجاد شکاف بین هدف و عملکرد می‌شود. دسته اول عوامل درون‌زاست که خارج از حیطه قدرت، نظام تصمیم‌گیری و اجراست که در راس آن شیطنت دنیای سلطه در قالب تحریم‌ها و کارشکنی‌های بیرونی که تاثیر مستقیم بر اقتصاد دارند، قرار دارد. نوسانات قیمت نفت را نیز می‌توان از جمله عوامل برون‌زا دانست، چرا که کاهش‌های معنی‌دار قیمت نفت و رکودهای جهانی نیز تاثیر بسیاری در اقتصاد کشورها به‌خصوص کشورهای در حال توسعه و جهان سوم دارد. در مقابل این دسته، عوامل درون‌زا قرار دارد که مواردی از جمله اتخاذ سیاست‌های نامناسب اقتصادی، سیاست‌زدگی اقتصاد و مشکلات ساختاری را می‌توان نام برد.

دولت‌ها همواره بر پررنگ بودن نقش عوامل برون‌زا بر این دورافتادگی تاکید می‌کنند. آیا می‌توان این دسته از عوامل را بر عوامل درونی غالب دانست؟

میزان تاثیرگذاری این دسته بر توسعه‌نیافتگی اقتصاد و شکاف ایجاد شده بین هدف و عملکرد همواره جای بحث بوده و بعضی از دولت‌ها با فرافکنی سعی در پررنگ نشان دادن نقش عوامل برون‌زا داشته‌اند. در حقیقت عوامل درون‌زا، مهم‌ترین عامل این اتفاق است و موارد یادشده تاثیر غیرقابل انکاری در این روند داشته‌اند. برخی دیگر نقش مشکلات ساختاری را پررنگ‌تر می‌دانند اما باید به این نکته نیز توجه داشت که قوانین ناقص و دست و پاگیر و عوامل غیراقتصادی در عوامل برون‌زا و درون‌زا تاثیرگذاری بسیاری دارند.

با گذشت سه دهه از انقلاب و در اولویت قرار گرفتن توسعه زیرساخت‌ها و ساختارهای اقتصادی هنوز با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستیم به‌طوری‌که طرح‌هایی همچون آمایش تجاری و صنعتی مطرح شده است. دلیل عدم توفیق در این بخش چیست؟

دولت در توجیه عدم توفیق در توسعه اقتصادی همه نگاه خود را به مشکلات ساختاری و عوامل برون‌زا معطوف کرده است و در مقابل این دیدگاه بعضی‌ها نیز این مهم را ناشی از نوع تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری می‌دانند. یکی از مشکلات اقتصاد ایران آن است که بدون تحلیل معقول و درک صحیح از ریشه‌ها و همچنین مطالعه و پژوهش به مسایل به صورت تک بعدی نگاه می‌شود و یک موضوع خاص برجسته می‌شود. اگر کارکردهای اقتصاد ملی را نگاه کنیم بسیاری از مطالب به حوزه تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بر می‌گردد. یکی از آسیب‌های موجود بر می‌گردد به این نکته که بسیاری از تصمیم‌هایی که اهداف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را دنبال می‌کند ناشی از باورها و سلیقه‌های شخصی روسای قوه مجریه است که بدون قرار گرفتن در بستر کارشناسی و مطالعاتی و تبلور اجرایی آن در فرآیند منطقی به واسطه ثابت کردن حقانیت و انجام کار کارشناسی، به تصمیم‌گیری ختم می‌شود و خروجی آن چیزی نیست به جز آزمون و خطا. این روند در کشورهای در حال توسعه و جهان سوم شایع است و به باور بسیاری از کارشناسان، سیاست‌های واردات، پولی، ارزی، نوسانات نرخ بهره و دلار و سایر موارد که در سال‌های اخیر رخ داده است، نتیجه باور شخصی بوده است.

اما ما در مقطعی شاهد تصمیم‌گیری‌ها به نظر منطبق بر عقلانیت بودیم که پروژه‌های عمرانی بزرگی نیز در این مقطع کلید خورد اما در نهایت به رشد اقتصادی و توسعه پایدار منجر نشد. چرا با وجود تدابیر مناسب برای پیشبرد امور باز هم نتیجه مطلوب حاصل نشد؟

در دوران سازندگی بر حوزه‌هایی که تاثیرگذاری بیشتری در رشد اقتصادی داشت تاکید فراوان شد و این تاکید نتیجه‌ای جز بحران بدهی‌ها و استقراض‌های گسترده نداشت. در این دوره پروژه‌های عمرانی با نگاه خیرخواهانه و منطبق بر سلایق شخصی اجرا شد و به نحوه توزیع ثروت و درآمد توجه نشد. این اتفاق موجب شد تا به رغم تولید ثروت و رشد اقتصادی قابل قبول، شکاف طبقاتی ایجاد شود.

اما با توجه دولت فعلی به این موضوع باز هم شاهد عمیق‌تر شدن شکاف بین هدف و عملکرد هستیم به‌طوری‌که به گفته بسیاری از کارشناسان و فعالان اقتصادی، تداوم این روند اقتصاد را به‌طور کل زمین‌گیر خواهد کرد. در این مورد چه نظری دارید؟

در حال حاضر به اسم عدالت به تولید ناخالص ملی کم‌توجهی می‌شود که این امر رشد اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی از جمله بیکاری را تحت تاثیر قرار داده است. تصمیم‌گیری‌ها و روند پیشبرد امور در دولت فعلی نیز دیدگاه‌های شخصی است. به‌طوری‌که با آغاز حرکت عدالت‌محوری، توزیع ثروت و دارایی‌های ملی مدنظر قرار گرفته است که دارای ناپختگی بنیادین است. چرا که در حالت عادی و به‌عنوان یک رویه مرسوم توزیع پول و ثروت مبتنی بر درآمد نفتی باید از طریق رونق تولید صورت می‌گرفت نه اینکه با توزیع سهام عدالت و پرداخت نقدی یارانه‌ها و وعده سه برابر شدن یارانه نقدی. به‌طور کلی در پیش گرفتن چنین شیوه‌هایی کرامت انسانی را زیر پا گذاشته و به‌رغم هزینه شدن سرمایه‌های ملی نتیجه اثربخشی در اقتصاد نخواهد داشت.

آیا می‌توان درآمدهای نفتی و عدم نیاز دولت به سایر درآمدها را عامل تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای دانست؟

فرآیند تصمیم‌گیری و دستوری بودن امور در دولت نشان می‌دهد که فضای تصمیم‌گیری کاملا سلیقه‌ای و مبتنی بر نظرات شخصی است و اظهارات اعضای جدا شده از کابینه مبین وجود فضای تحمیل ایده و عقیده در دولت است. در کنار این مشکلات و موانع و مشکلات ساختاری موجود، وابستگی به نفت یک آفت استراتژیک است که به گفته اهل فن موجب زحمت شده است تا رحمت. دولت‌ها به واسطه استقلال مالی به تصمیم‌های سلیقه‌ای روی آورده‌اند. شواهد تاریخی و تجربی نشان می‌دهد که کشورهای صنعتی دنیا و در راس آنها آمریکا، عموما بیش از ۹۸ درصد از درآمد خود را از مالیات کسب می‌کنند. این عملکرد نه در فضای فشارهای سیاسی بلکه از طریق ایجاد جذابیت و گستردگی مناسب اقتصاد رخ می‌دهد. در این کشورها پویایی اقتصاد در اولویت قرار دارد و دولت‌ها سعی می‌کنند با برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های منطقی شرایط رشد اقتصادی و کسب درآمد در فضای بازار آزاد و رقابتی را فراهم کنند تا از این طریق به درآمدهای مدنظر دست پیدا کنند. اما در کشورهای نفتی از جمله ایران وصل بودن به درآمد نفتی تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها را از چارچوب منطق و عقلانیت خارج کرده و موجب بی‌توجهی و عدم حساسیت مورد نیاز دولت در سیاست‌های پولی، مسکن، بازرگانی و... شده است.

با در نظر گرفتن این نکته، چرا برنامه و اقدام خاصی برای کاهش وابستگی دولت‌ها به نفت و قانون‌مدارتر شدن آنها نمی‌شود؟

وابستگی دولت‌ها از نظر ساختار به نفت به رغم تاکید امام و رهبری، با افزایش قابل ملاحظه‌ای همراه بوده و به نوعی جزو جدانشدنی دولت‌ها شده است. دولت‌های نهم و دهم نیز با بهره‌گیری از درآمدهای سرشار نفتی در وابستگی به نفت و سیل واردات بی‌رویه رکوردشکن شدند. کسب درآمدی معادل تمامی سال‌های بعد از ۵۷ در شش سال اخیر و بی‌برنامگی، اقتصاد را به‌طور کلی تحت تاثیر قرار داده است. البته در مجلس چهارم و پنجم تلاش شد تا به واسطه صندوق ذخیره ارزی وابستگی به نفت روند کاهشی داشته باشد ولی در عمل ما شاهد بودیم که مسابقه نامیمونی بین دولت و مجلس برای برداشت از این صندوق صورت گرفت. این رویداد نیز نشان‌دهنده این است که چاره‌اندیشی‌ها معقول نبوده است و از مکانیزم تکمیلی برای دستیابی به اهداف استفاده نشده است.

دورافتادگی اقتصاد ایران از توسعه منجر به تدوین سند چشم‌انداز توسعه شد تا ضمن جبران بسیاری از کاستی‌ها و عقب‌افتادگی‌ها، اقتصاد ایران به قدرت اول منطقه تبدیل شود. آیا با روند کنونی می‌توان به جبران کاستی‌های سه دهه اخیر امیدوار بود؟

ایران از نظر برنامه‌ریزی یکی از باسابقه‌ترین کشورهای آسیا است و بعد از هند دومین کشور پرسابقه در امر برنامه‌ریزی به شمار می‌رود. اما از نظر برنامه‌ریزی با مشکلات بسیاری مواجه بوده و هستیم. اقتصاد ایران قبل از ۵۷، پنج برنامه توسعه را تجربه کرد. در ۱۰ سال ابتدایی بعد از سال ۵۷ نیز برنامه‌ریزی سالانه صورت گرفت و بعد از آن دوران برنامه‌های پنج ساله آغاز شد. با توجه به این موارد مشاهده می‌شود که به رغم وجود برنامه‌ریزی برای جلوگیری از اعمال سلیقه و حرکت زیگزاگ‌وار دولت، سند چشم‌انداز مطرح شد تا دولت‌ها در چارچوب خاصی حرکت کنند تا به قدرت اول اقتصادی منطقه نیز تبدیل شویم. با ترسیم این سند نیز انحراف‌ها متوقف نشد و برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه که برشی از برنامه ۲۰ ساله هستند در اجرا بدون سازگاری و هماهنگی دنبال شدند و دولت‌ها سلایق و توجیه‌های خود را مبنای کار قرار دادند. امروز با گذشت شش سال از عملیاتی شدن سند چشم‌انداز از اهداف ترسیم شده دور افتاده‌ایم چرا که در آغاز اجرای این برنامه، ایران بعد از عربستان و ترکیه در مکان سوم اقتصادی قرار داشت و امروز پس از شش سال به واسطه تصمیم‌گیری در فضای باورهای شخصی، رتبه سال‌های نخست اجرای برنامه را نیز از دست داده‌ایم و از دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز نیز فاصله گرفته‌ایم.

دلار بازهم قد کشید

شرق: بازار ارز دیروز با دو خبر متفاوت روبه‌رو بود، اول گران شدن دوباره دلار و دوم بازگشت پوند به مرز دو هزار تومان. این بدان معناست که بعد از مدتی همگرایی و هم جهتی، پوند و یورو راه خود را از دلار جدا کرده‌اند. دلار از چند هفته پیش عملا رمقی برای ریال نگذاشته و اگرچه هر از گاهی چند قدم عقب‌نشینی می‌کند اما در بیشتر روزهایی که گذشت، تمایل واحد پولی آمریکا به سوی رشد ارزش بود. دیروز هر دلار آمریکا هزار و ۲۳۰تومان از سوی صرافها خریداری می‌شد و هزار و ۲۴۰تومان فروش می‌رفت یعنی ظرف همین روزی که گذشت دلار در مقابل واحد پول ایران ۱۳ تومان دیگر با ارزش‌تر شد و به رقم هزار و ۲۴۰تومان بازگشت. اما در مورد پوند اوضاع متفاوت‌تر بود. وقتی ارزش برابری واحد پول انگلیس از مرز دو هزار تومان گذشت اهالی بازار فکر نمی‌کردند که قیمت این ارز مدت زمان چندانی در حوزه جدید باقی بماند و دیر یا زود با توجه به سایه نظارتی بانک مرکزی قیمت این واحد پولی هم به کانال سابق باز خواهد گشت اما آن‌طور نشد که انتظار می‌رفت. به عبارت دیگر پوند نه‌تنها در مرز دو هزار تومان اتراق کرد بلکه تا عددهای دو هزار و ۳۰تومان و بیشتر هم پیشروی کرد. جای پای پوند آنچنان در مرزهای جدید ثابت شده بود که کمتر کسی انتظار داشت به سرعت ارزش آن دوباره به روزهای پیش از رشد برسد به خصوص در شرایطی که دلار عملا مرزی برای خود نمی‌شناسد اما از چند روز پیش ورق برگشته و پوند در کنار یورو هر روز بخشی از ارزش خود را از دست می‌دهد. دست آخر هم دیروز هر پوند در مقابل دو هزار تومان توسط صرافی‌ها فروش رفت یعنی پنج تومان کمتر از روز پیش از آن، در مورد یورو هم وضع بر همین منوال بود. در شرایطی که آلمان تمام تلاش خود را می‌کند که به بقای یورو کمک کند و یونان هم خرسند از باقی ماندن در منطقه یورو است، ارزش واحد پول اروپایی دیروز در بازار آزاد دو تومان دیگر کاهش یافت و به هزار و ۷۰۸تومان رسید، این در حالی است که ین ژاپن بعد از صعودهای شگفت‌انگیز روزهای اخیر به ثبات نسبی رسیده و دیروز در مرز هزار و ۵۸۰تومان تثبیت شد. همزمان ارزش درهم امارات هم یک تومان بالا رفت. دیروز بانک مرکزی هم نرخ مرجع هر دلار آمریکا را ۱۰هزار و ۷۰۶ریال تعیین کرد که نسبت به روز یکشنبه ۶۸ریال رشد را نشان می‌دهد.

ارز	قیمت(تومان)	تغییر(تومان)
دلار آمریکا	۱۲۴۰	+۱۰
یورو	۱۲۶۳	+۱۰
پوند	۱۷۰۸	+۱۳
دلار کانادا	۲۰۰۰	+۲
یکصدین ژاپن	۱۵۸۰	+۳۰
درهم	۳۴۰	+۶

قطار سکه ترمز ندارد

شرق: در بازار سکه این روزها معلوم نیست در روی کدام پاشنه می‌چرخد. وقتی موج دوم گرانی همین یک ماه پیش از راه رسید، تحلیل‌گران می‌گفتند رشد شدید و چندپله‌ای قیمت سکه ناشی از رشد قیمت جهانی طلا و حرکت آن به سوی‌هزار و ۹۰۰ و حتی دوهزار دلار است، با همین اوصاف آنها پیش‌بینی می‌کردند که دست‌کم در میان مدت رشد نرخ‌ها ادامه خواهد داشت نتیجه اینکه در بازار سکه، قیمت‌ها سوار بر موج بحران جهانی بالا رفت و اوج گرفت اما وقتی در بازارهای جهانی آب‌ها از آسیاب افتاد، بازار داخلی تعارف را کنار گذاشت و نشان داد که فقط در روزهای صعود گوشه چشمی به قیمت‌ها دارد اما در روزهای افت، حساب خود را جدا می‌کند. با توجه به همین استدلال ساده هم حرفه‌ای‌های بازار معتقدند، سایه حباب رسما بر سر بازار سکه سنگینی می‌کند. به عنوان مثال، رییس اتحادیه کشوری طلا و جواهر که در اولین روزهای نیم میلیون تومانی سکه، قیمت ۶۰۰هزار تومان و بیشتر از آن را برای آینده نزدیک پیش‌بینی کرده بود امروز معتقد است که خطر حباب جدی است. محمد کشتی‌آرای به «شرق» گفت: تحلیل افزایش قیمت تا بیش از ۶۰۰هزار تومان مبتنی بر ادامه بحران جهانی و رشد قیمت هر اونس طلا بود اما در شرایط فعلی که عملا قیمت طلا روی خط ثبات حرکت می‌کند یا رو به نزول می‌گذارد، نمی‌توان رشد قیمت سکه و پرش‌های روزانه آن را طبیعی و توجیه‌پذیر دانست. به کلام ساده اینکه ظاهرا بعد از بازار سهام این بار نوبت به بازار سکه رسیده که جوگیر شود. اما همه این استدلال‌ها باعث نمی‌شود که بانک مرکزی و رییس کل آن بحرانی شدن شرایط را بپذیرد. محمود بهمنی دیروز در تازه‌ترین اظهارنظر خود گفت: قیمت طلا در بازار داخلی مطابق بازار جهانی است و حبابی در بازار داخلی نداریم. به گفته او بانک مرکزی قیمت سکه را با نوسانات جهانی تعیین می‌کند و گاهی اوقات که در طول روز قیمت‌های تعیین شده در این بانک با بازارهای جهانی اختلاف دارد (زمانی که قیمت بازار جهانی بالاست قیمت بانک پایین است). بانک مرکزی تغییرات را در ساعات پایانی روز برای روز بعد اعمال می‌کند. ابراز اطمینان بهمنی در شرایطی است که بسیاری از کارشناسان از وجود حباب در بازار داخلی طلا و سکه خبر می‌دهند و از بانک مرکزی می‌خواهند نسبت به کنترل بازار اقدام کند و وارد عمل شود. البته رقم حباب به روایت‌های مختلف متفاوت است و از ۴۰ تا ۸۰هزار تومان تغییر می‌کند

طلاو سکه	قیمت(تومان)	تغییر(تومان)
بهار آزادی طرح قدیم	۶۴۰۰۰۰	+۸۰۰۰
بهار آزادی طرح جدید	۶۳۰۰۰۰	+۱۰۰۰۰
نیم سکه بهار آزادی	۲۹۷۰۰۰	+۳۰۰۰
ربع سکه بهار آزادی	۱۵۴۰۰۰	+۲۰۰۰
هرمثقال طلای ۱۸ عیار	۲۵۶۷۰۰	+۷۵۰
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۵۵۷۰۰	+۱۷۰

بازار

عقب‌نشینی شاخص

■ **شرق:** شاخص بورس تهران بعد از چند روز پرواز دیروز بالاخره به صرافت تعدیل افتاد و چند واحدی کاهش یافت. این در حالی است که پیشتر با عبور پرشتاب از مرز روانی ۲۷هزار واحد کارشناسان و حرفه‌ای‌های بازار به این نتیجه رسیده بودند بورس کمی جوگیر شده و احتمالا به زودی از شتاب حرکتش کاسته خواهد شد. اتفاقی که در بیست و یکمین روز شهریور ماه رخ داد. در سومین روز معاملاتی هفته، فعالان تالار شیشه‌ای ۲۵۹میلیون و ۴۷۶هزار و ۳۱۲میلیون سهم و حق تقدم را به ارزش ۶۸۵میلیارد و ۴۹۳میلیون و ۸۵هزار ریال در ۲۲هزار و ۳۶۵ نوبت معاملاتی دادوستد کردند. در نتیجه معاملات بورس تهران هم شاخص کل با افتی ۴۰ واحدی به رقم ۲۷هزار و ۵۸ واحد رسید. در مقابل شاخص صنعت ۲۰ واحد بالا رفت و شاخص ۵۰ شرکت فعال‌تر با رشد نامحسوس ۰/۴ واحدی مواجه شد. همچنین شاخص‌های بازارهای اول و دوم به ترتیب ۲۷ و ۱۱۵ واحد رشد کردند. سهام شرکت‌های بانک صادرات، بانک ملت و ملی مس، فولاد مبارکه و بانک تجارت، بانک پارسیان، سرمایه‌گذاری غدیر و حفاری شمال بیشترین تاثیر را بر افت شاخص داشتند و در مقابل نمادهای مخابرات و پتروشیمی شازند با تاثیر مثبت، مانع کاهش بیشتر شاخص شدند. صدرنشینی بازار دیروز هم با بیشترین رشد قیمت در نمادهای پتروشیمی شازند، حق تقدم بیمه البرز، داروسازی سینا، ایران دارو، کابل البرز، صنایع کاغذسازی کاوه، کابل‌سازی تک، صنایع خاک چینی ایران، قند شیرین خراسان و تولیدی مهرام ثبت شد. این در حالی بود که نمادهای معادن بافق، حق تقدم گروه صنایع بهشهر، حق تقدم نورد و قطعات فولادی، حق تقدم توکا فولاد، سرمایه‌گذاری توکا فولاد، معادن منگنز، بانک صادرات، کنترل خوردگی تکین کو و صنایع جوشکاب یزد با بیشترین کاهش قیمت مواجه شدند. در بازار روز گذشته نمادهای البرز دارو، پشم شیشه ایران، بیمه البرز، ایران دارو، سرمایه‌گذاری ملت، قند شیرین خراسان، صنایع کاغذسازی کاوه، داملران، قند هکمتان و دارویی لقمان مورد توجه بازار بودند و بیشترین صف خرید را به خود اختصاص دادند.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۲۷۰۵۸/۹	(۴۱)
۳۰ شرکت	۱۷۱۴	(۳/۲)
آزاد شناور	۳۵۴۲۳/۷	(۱۱۰)
بازار اول	۲۳۰۶۵/۴	(۲۸/۷)
بازار دوم	۳۲۰۶۵/۸	(۱۱۶/۹)
صنعت	۲۰۷۴۸	۲۰/۱